

در موسیقی پاپ، پاپ تر از اهل دیار فرانکیم!

داریوش، ستار، مایکل جکسون، متالیکا و... البته بدون صدای اصلی!

نام خواننده یا گروه است و حروف ریز نام
ترانه‌ها)

PINK FLOYD

1- TIME

2- BREATH

3- ANOTHER BRICK IN THE WALL

ERIC CLAPTON

1- EDGE OF DARKNESS

SCORPIONS

1- WIND OF CHANGE

STING

1- SHAPE OF MY HEART

CLARENCE CLAPTON

1- MY HEART WILL GO ON

MODERN TALKING

LOVE STORY

MICHAEL JACKSON

1- BILLIE JEAN

2- FREE WILLY

BRAIAN ADAMS

1- EVERYBODY DO IT FOR YOU

SUICIDE

MADONNA

1- LIKE VIRGIN

2- LA ISLA BONITA

FILL COLINS

1- ANOTHER DAY IN PARADISE

METALLICA

1- UNFORGIVEN TOO

LOS DEL RIO

1- MACARFNA

■ در پشت صحنه آوازخوانی و پرکردن نوار و CD منافع کلان

و وسوسه انگیزی نهفته است

■ یکی شبیه داریوش می خواند، دیگری شبیه «ابی» سومی

مشابه ستار و... حتی کسی هم پیدا می شود که آهنگ

فلان خواننده جنجالی غربی را بخواند

محدود نمی شود، زیرا اهل فن می دانند که قطعات
موسیقی بی صدای جنجالی ترین گروه‌های
موسیقی غربی، نظیر «متالیکا» نیز از شبکه‌های
مختلف صداوسیما پخش می شود، منتهی بدون



ترانه‌هایش ژنریک ترانه‌های داریوش است
خشیایار اعتمادی

از زمان پیروزی انقلاب اسلامی تا همین چند
سال قبل، از صداوسیما ایران جز نواهایی که
به موجب سیاست تدوین شده در زمینه موسیقی،
«سرود» نام گذاری شده بود، پخش نمی شد.
به موجب همان سیاست، اگر از خانه، محل کار و
خودروی کسی نواری حاوی موسیقی و صدای
خوانندگان دوره طانغوت یا خوانندگان دیار فرنگ
کشف می شد، دارنده آن مجرم بود و مستحق
مجازات. گرچه در این دوران برخی از قطعات
موسیقی کلاسیک - گاهی مدرن - غربی به عنوان
آرم شروع یک برنامه رادیو یا تلویزیونی، یا
پس زمینه چنین برنامه هائی مورد استفاده
قرار می گرفت، معبداً سیاست کلان در موسیقی،
بسیار بسته و سختگیرانه و انعطاف ناپذیر بود.

اما امروز، مانه فقط ترانه‌های داریوش، ابی،
ستار و... را با صدای بدل‌های آنان از صداوسیما
می شنویسم، بلکه شاهد پخش ترانه‌های
بازخوانی شده خوانندگان زن در رژیم گذشته،
نظیر دلکش، الهه، سیمابینا و... هم هستیم و
می توانیم نوارهای این ترانه‌ها را هم بی ترس و لرز
از فروشگاه‌های دارای جواز کسب و کار مرتبطاً
موسیقی بخریم و به خانه ببریم!
سدسکنی در زمینه موسیقی به همین جا

سیاست پخش موسیقی صدا و سیما، به
شرحی که گذشت، راه را هموار می کند مرده پخش
یک کاست و سی‌دی از گروه معروف بیتل‌ها را در
روزنامه‌ها نیز بخوانیسم و با یاد آوری
سخت گیری‌های گذشته در دل بگوئیم «نه به آن
شوری شور، نه به این بی نمکی!»

صدای خوانندگان!
نام برخی از گروه‌ها و خوانندگان غربی را
که موزیک ترانه‌های جنجالی آنان (بدون کلام) از
شبکه صداوسیما پخش می شود، در زیر
می آوریم. (توضیح این که حروف درشت

آلبوم‌های لس آنجلسی!

وقتی آهنگ‌های بدون صدای «پینک فلوید»، «متالیکا»، «مادونا»، «مایکل جکسون» و... از صدا و سیما پخش شود، دیگر برای آن که موسیقی پاپ در کشور به عنوان یک واقعیت پذیرفته شود، جای تردید و اشکالی باقی نمی‌ماند. بدین ترتیب، ناکهان انبوهی از ترانه‌های ساخته شده بر مبنای موسیقی پاپ، با صدای خوانندگانی که یکی پس از دیگری، و با روندی شتاب گیرنده بر صحنه ظاهر می‌شوند، روانه بازار می‌شود و جزئی از زندگی و سیاست فرهنگی می‌شود.

در این روند، ما شاهد دو پدیده متفاوت هستیم. یکی خلق و ظهور ترانه‌هایی است که بر مبنای موسیقی پاپ ساخته شده، اما هم‌شعار آنها از درونمایه‌های فرهنگ ملی، عرفانی و یا عقیدتی برخوردار است و هم خوانندگانش از بچه‌های انقلاب و بعضاً از پاسداران انقلاب هستند. نمونه بارز برای این پدیده، محمد اصفهانی است که گفته می‌شود روزگاری در سپاه پاسداران هم خدمت می‌کرده است.

پدیده دیگر، تقلید غیر قابل انکار از خوانندگان مشهور رژیم گذشته است که اینک بدنه اصلی خوانندگان لس آنجلسی را تشکیل می‌دهند. در چند سال اخیر، ترانه‌های بسیاری از صدا و سیما پخش شده و به صورت نوار کاست و حتی CD انتشار یافته که شنونده در وهله اول دچار این وهم می‌شود که یکی از ترانه‌های «ابی»، «ستار» و یا «داریوش» را می‌شنود.

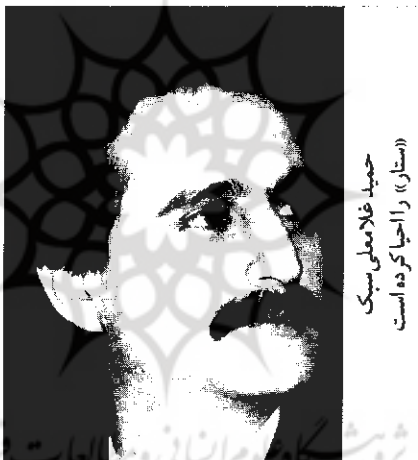
ریتم، ملودی و سازها و نت‌ها، بی‌هیچ تغییری تفاوتی همان است که در ترانه‌های لس آنجلس نشینان وجود دارد. صدای خواننده و شیوه آوازخوانی هم دقیقاً تقلید شیوه و صدای یکی از



ترانه‌های آوازها و صدای «ابی» را ندای می‌کند امیر کریمی.

آنان است و فقط شعر ترانه است که تفاوت دارد. برای روشن شدن ماجرا به چند مورد از این تقلیدها و بازسازی‌ها اشاره می‌کنیم:

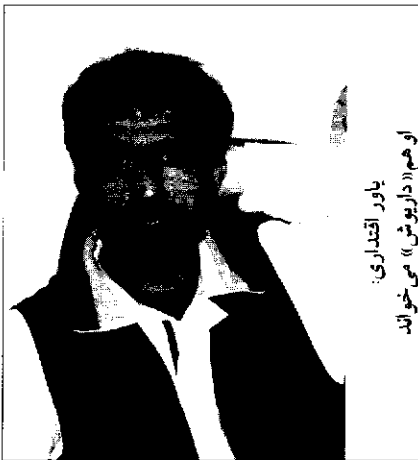
خشایار اعتمادی و یاور اقتداری ترانه‌های «داریوش» را تقلید می‌کنند و یابه سبک او می‌خوانند (اغلب ترانه‌هایشان از صدا و سیما هم پخش می‌شود) قاسم افشار و امیر کریمی ترانه‌های «ابی» را تقلید می‌کنند و یا به سبک او می‌خوانند (اغلب ترانه‌هایشان از صدا و سیما پخش می‌شود) حمید غلامعلی با آلبوم‌ها و ترانه‌هایش سبک «ستار» را احیا کرده است (ترانه‌های موفق آنها از صدا و سیما پخش می‌شود) علیرضا عصار نیز تقلیدکننده موفق آهنگ‌های «فرامرز اصلانی» است. (ترانه‌های موفق آنها از صدا و سیما پخش می‌شود) اخیراً کسانی هم پیدا شده‌اند که ترانه‌های «سیاوش قمیشی» را که از خوانندگان



«ستار» را احیا کرده است حمید غلامعلی سبک.

لس آنجلس نشین است، مورد تقلید قرار داده‌اند که چون هنوز معلوم نیست موفق باشند از پرداختن به آن خودداری می‌کنیم.

نوع دیگری از تقلید را هم شاهدیم که در آن خوانندگان مرد ترانه‌های برخی از خوانندگان زن رژیم گذشته را عیناً بازخوانی می‌کنند. بارزترین شاهد مثال در این مورد، آقای علیرضا افتخاری است که تعدادی از مشهورترین ترانه‌های خانم‌ها «البه» و «دلکش» را عیناً بازخوانی کرده است. و بالاخره می‌رسیم به این واقعیت که ترانه‌هایی با صدای خوانندگان زن هم اخیراً به بازار عرضه شده‌است که نشان می‌دهد فضا برای فعالیت خانم‌ها در زمینه موسیقی تاحدودی مساعد شده است. (در مورد آوازخوانی و فعالیت خانم‌ها در زمینه موسیقی گزارش جداگانه‌ای عرضه می‌کنیم.)



او هم «داریوش» می‌خواند یاور اقتداری.

تحول قابل ذکر دیگر این است که برای تکمیل جایگزینی خوانندگان پاپ جدید با خوانندگان لس آنجلسی، رسم شده از «القباب شیک» یا اسم کوچک این نورسیده‌ها استفاده شود. بازگشت آهنگسازان پاپ مقیم خارج نیز شباهت شعر و موسیقی را کامل کرده است. شاهد مثال کار افرادی چون صادق نوجوکی، عبدی یمینی یا مجید رضازاده است که در همکاری با یک خواننده تازه کار، نمونه‌ای مثال زدنی از یک آلبوم لس آنجلسی ارائه کرده‌اند.

از چهره‌های معروف موسیقی وطنی می‌توان به «ناصر عبداللہی» که تقریباً کلیه ترانه‌هایش از تلویزیون پخش می‌شود، اشاره کرد که لهجه‌اش دست‌آویزی برای انکار «شبیخه خوانی» است، اما از خواننده‌های افغانی، عرب یا امیر آرام و اغلب ترانه‌های سازگار با صدایش تقلید می‌کند و اخیراً هم به تقلید از «جیبسی کینگ» و... پرداخته است. «چنگیز حبیبیان» هم که ترکی می‌خواند،

از خوانندگان ترکیه تقلید می‌کند و اخیراً هم ترانه کاملی از «ابراهیم تاتلیس» را دستمایه قرار داده است و ترانه‌های وی نیز غالباً از صدا و سیما پخش می‌شود. شادمهر عقیلی و عده‌ای نیز ترکیبی از جوانترهای لس آنجلسی و شش و هشت‌های معروف و ویژه جشن و سرور را بازسازی کرده‌اند. نمونه‌های گروهی نیز رشد کرده‌اند، همچون گروه «آریان» که کپی گروه لس آنجلسی «بویز» (بچه‌های ایران) یا «ایمان و ایشان» و... است و حالت زمزمه و دلکمه که به مدد سازهای الکترونیک و همصدایی خانم‌ها و آقایان جوان تبدیل به نوایی ملایم و شبیه آواز می‌شود. بسیاری خوانندگان نه چندان معروف پاپ داخلی نیز شبیه خواننده‌های نه چندان معروف لس آنجلسی می‌خوانند.

پاپ واقعی، پاپ مبتذل

به هر حال موسیقی پاپ در زندگی امروزه ایرانیان امری پذیرفته شده و جاافتاده است، اما نکته‌ای که مورد توجه قرار نگرفته، فرق بین موسیقی پاپ واقعی و آن موسیقی فاقد اصالت است که به عنوان موسیقی پاپ به خورد مردم داده می‌شود. می‌توان گفت این امر هم ناشی از آن است که به دنبال یک دوره ممنوعیت، وقتی موانع از بین رفت و گروهی فرصت یافتند در این حیطه فعالیت کنند و به موفقیت‌های سریعی دست یابند که پول و شهرت را هم به همراه آورد، افراد زیادی و سوسه شدند با حضور در این عرصه، یک شبه ره صدساله بپیمایند. نتیجه آن شد که اکنون خیلی‌ها نمی‌دانند پاپ واقعی چیست و پاپ جعلی کدام است.

از همین رو اشاره‌ای گذرا به سابقه و مشخصات موسیقی پاپ، خالی از فایده نیست. موسیقی پاپ که اصطلاحاً به موسیقی عامیانه ترجمه شده، در تعریف کلی به آن قطعات موسیقی اطلاق می‌شود که متکی بر اصول آکادمیک و مصنف تحصیلکرده در زمینه آهنگسازی و مبانی موسیقی کلاسیک نیست. فعالیت در این عرصه غالباً با تمرین و تجربه و اتکاء به هنر نوازندگی و استفاده و خلق فرم‌های پرتحرک و نشاط‌آور و سازگار با روحیه عموم مردم انجام می‌شود. از قرون ۱۵ و ۱۶ که موسیقی کلاسیک و آثار مجلسی با حمایت و هدایت کلیسا شکل می‌گرفت و بسیاری از موسیقی‌دانان بزرگ دنیادر مقام «کاپل مایستر» (Capeel Meister) یا رهبر ارکستر و گروه «کر» (Choir) کلیسا فعالیت می‌کردند، نوعی از موسیقی هم فارغ از قوانین و فرم‌های قراردادی وجود داشت. این موسیقی که مورد توجه ثروتمندان و عامه مردم و ویژه جشن و پایکوبی و مجالس رقص و سرور مالکین و رعایا بود، در واقع ریشه موسیقی پاپ امروز است. البته کارشناسان و محققان هرگز مرزبندی‌هایی چون خوب و بد، جدی و بی‌محتوا، هنری و مبتذل و... را در رابطه با موسیقی کلاسیک و پاپ نمی‌دیدند و این عرصه نیز همچون موسیقی جاز (Jazz)، راک (Rock) یا موسیقی فولکلوریک (Folk Music) و... از اعتبار و جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

در ایران بعد از انقلاب، پس از آنکه فضا برای فعالیت در عرصه موسیقی مناسب شد، عده‌ای فرصت طلب برای در اختیار گرفتن بازار مستعد و

آماده داخلی، تحت پوشش موسیقی پاپ شروع به فعالیت کردند بی‌آنکه هدایت و ارزشیابی و یا کنترلی در کار باشد. پس از مدتی، ترانه‌های شش و هشت هم مد شد و اگرچه بعضی‌ها در لفافه از عشق می‌گفتند اما ریتمیک بودن این آثار و استفاده از فرم‌های نشاط‌آور و سازگار با رقص و جنب و جوش و کاستن از سبب اشعار، مخاطب ذوق زده را نرمتر و مشتاق‌تر کرد. حتی در این زمینه نیز ردپای ابتکار و خلاقیت چندانی به چشم نمی‌خورد و عموماً از فرم‌های آشنا، قالب‌های تکراری و نمونه‌های قدیمی و مورد توجه مردم استفاده شد.

بهانه قدیمی و متداول «جلب رضایت مردم» و تعبیر نادرست از عنوان «پاپ»، نوعی بی‌قیدی و سهل‌انگاری را رواج داد و این تصور در بین خوانندگان، شنوندگان و حتی منتقدان و



پاپ واقعی و مبتذل

مخالفان موسیقی پاپ ایجاد شد که مشکل اصلی فقط علاقه یا تنفر طرفین است. هیچ‌کس تردیدی نسبت به این موسیقی که «پاپ» نامیده می‌شود، نداشت و میزان وفاداری خوانندگان و توانایی آنان در این مکتب نیز ملاک نبود. تاکنون مدعیان، مستقیماً موسیقی پاپ و ارزش هنری و محتوای ساده و عامه‌پسند آن را محکوم کرده‌اند و خوانندگان و هواداران‌شان نیز این مکتب جهانی و ریشه‌دار را به عنوان یک ابزار به کار برده‌اند. بارها گفته‌اند: «موسیقی مبتذل پاپ» و این تعبیر برگ برنده‌ای در دست خوانندگان و... شد تا پاسخ دهند این موسیقی در دنیا اعتبار دارد و هنرمندان بزرگی پرورانده است. اما اعتبار موسیقی پاپ ارتباطی به جنبش نوظهور پاپ خوانی در ایران ندارد، چون این عنوان، مورد سوءاستفاده قرار

گرفته و حتی تعریف درستی از سوی مخالفان یا خوانندگان ارائه نشده است. در بحث و نقد نیز صرفاً با محکومیت شدید و کلی مواجه می‌شویم و مدافعان نیز با تعبیری دوپهلوی و غیرمستدل پاسخ می‌دهند. یکی از شاخص‌ترین تفاوت‌های موسیقی کلاسیک با آثار موسیقی روز خصوصاً پاپ، شیوه اجرا و وفاداری به نت‌هایی است که آهنگساز نوشته. با وجود تفاوت‌هایی که در اجرای موسیقی کلاسیک و اختلاف دیدگاه و روش رهبران ارکستر یا یک نوازنده و خواننده وجود دارد، همه آنها اثر واحدی را به اجرا درمی‌آورند که دارای ساز‌هایی یکسان و ریتمی واحد و هدف مشترک است. موسیقی کلاسیک در واقع شکلی ثابت و تغییرناپذیر دارد اما موسیقی پاپ، اجرا با تنالیته (Tonality) متنوع و انتخابی، ایجاد تغییرات کلی در آهنگ و اجرای فی‌البداهه را ممکن می‌سازد. در این عرصه آهنگساز نیز شیوه ثابت و مشخصی برای اجرا تعیین نمی‌کند و همچنین آوازهای پاپ بر اساس توانایی و روش فردی و شرایط زمانی قابل اجراست. برخلاف قواعد دقیق (exact) موسیقی کلاسیک، نوازنده و خواننده پاپ با شیوه خاص خود و تنوع و دیگرگونی در اجرا، ایجاد جذابیت و کشش می‌کنند که در واقع بخشی از وظیفه آنهاست.

به این ترتیب، موسیقی پاپ در عین فراغت از قواعد دستورالعمل‌های کلاسیک، نیازمند درک و دانش و خلاقیت فردی است. اجرای آن به روش‌های مختلف و با استفاده از ابتکار شخصی، صرفاً در جهت ارتقای کیفیت و افزایش جذابیت و سرگرمی مجاز است و این به معنای بی‌قیدی و «هرچه می‌خواهد دل تنگت بگو» نیست. صدای افتادن سکه در آب و آدمکشی برای لذت و یا انجام یک عمل ساده و بی‌خطر اما پوچ و ابلهانه، به بهانه سرگرمی مجاز نیست.

در ایران، برخی خوانندگان نوظهور پاپ در مصاحبه‌ها و ذکر سوابق خود، عنوان فعالیت موسیقی را حذف می‌کنند و در پاسخ به اینکه چگونه شروع کرده‌اند، می‌گویند از سال فلان با نواختن گیتار، مبارزه با تهاجم فرهنگی! را در شهر خودمان آغاز کردم و با دوستان گروهی تشکیل دادیم و برای مقابله با استکبار جهانی و نجات جوانان از دست مآوارها به خواندن پرداختیم. «شادمهر عقیلی» آهنگساز و خواننده پاپ با آلبوم «مسافر» موجی جدید در موسیقی نوپای پاپ بعد از انقلاب ایجاد کرد و به سرعت مشهور شد. کسی که گفته می‌شد با دوستان جوانش به فکر

خوانندگان
پاپ وطنی،
کسب و کار
لس آنجلس نشین ها را
درست و حسابی
کساد کرده اند!

غیبت ها، روابط و حوادث پشت پرده آنهاست. آنجا دیگر نقابی نیست و پول و شهرت حرف اول را می زند و این مدعیان نجات فرهنگ و هنر همچون کسبه ودالان از چک و فروش و پارتی بازی و... صحبت می کنند. خواننده ای می گفت که در ابتدای فعالیتش ۱۴ میلیون تومان به یک آهنگساز قدیمی و مشهور در موسیقی پاپ داده تا به کمک او خواننده شود. اما آهنگساز پس از مدتی گفت: «تو به درد این کار نمی خوری» و پولش را نیز پس نداد که به همین دلیل به همراه پدرش از این آهنگساز شکایت کرد. به هر حال، موسیقی پاپ با شهرت و ثروت نیز همراه شده و اغلب خوانندگان جوان پس از مدتی کوتاه به کلیه آرزوهای مادی خود رسیدند.

اما این موفقیت موجب رقابت بیشتر و بی اعتنائی به فعالیت هنری و کیفیت شد و تنهائگرانی موجود مربوط به فروش آلبوم رقیب یا تبلیغات و شهرت اوست. آهنگ جنجالی «ناصریا» از «ناصر عبداللہی» بارها از تلویزیون پخش شد و خوانندگان دیگری شاکی شدند و حتی شایع شد که این ترانه به دلیل شکست آلبوم خواننده آن در بازار موسیقی، با هماهنگی! از تلویزیون به مناسبت های مختلف پخش شد تا مردم با تصور اینکه همه آهنگهای این آلبوم چنین فرمی دارد، برای خرید آن هجوم بیاورند.

در همان سالن برای ایرانیان مقیم خارج پخش می شود. اکنون این سؤال پیش می آید که دلیل استقبال ایرانیان مقیم خارج از این آثار چیست؟ آنها که قصد مقابله با تهاجم فرهنگی را ندارند و علاوه بر مواجه نبودن با محدودیت ها، به انبوه نوارها و CD های خوانندگان اصلی نیز دسترسی دارند. به نظرمی رسد علت این استقبال، کنجکاوی و حیرت عمومی ناشی از ظهور خوانندگان و آلبوم های شبه لس آنجلسی به صورت قانونی در ایران باشد.

و سوسه بازار داغ موسیقی پاپ ایرانی، خوانندگان ایرانی لس آنجلس نشین را به دبی نیز کشانده است. هدف این خوانندگان برگزاری کنسرت برای ایرانیان علاقمند داخل کشور است، چون مخاطبان مقیم اروپا و آمریکای آنها کاهش یافته و حال آنها سهمی از مخاطبان داخلی ایران را می خواهند. محبوبیت شوهای لس آنجلسی و حتی آلبوم های موسیقی خوانندگان معروف کاهش قابل توجهی در بین نسل جوان یافته، چون حالا هستند کسانی که شبیه سازی کنند. خوانندگان پاپ داخل کشور به دلیل محدودیت ها و کنترل اشعار و توجه به شرایط واقعی عشق و دلدادگی، تصویری قابل قبول تر از خواننده مقیم خارج ارائه می کنند. در کنسرت خوانندگانی که صدایی مشابه دیگران دارند، مردم از آنها تقاضای اجرای ترانه های همان خواننده معروف را می کنند، یعنی اصل را می خواهند و بسیاری را همین شباهت به سالن کشانده است. جالب اینکه بعضی از این خوانندگان در محافل خصوصی ترانه های خواننده ای را که به قول خودشان سالها برای تقلید صدایش زحمت کشیده اند، می خوانند. یکی از چند نفری که بسیار شبیه به «داریوش» می خواند، حتی بر روی جلد کاست نیز عکسش به گونه ای طراحی شده که بیشترین شباهت را به «داریوش» داشته باشد! نکته جالب تر فضای رقابت مطبوعاتی و تلویزیونی برخی چهره های معروف و تهدیدها،



شادمهر عقیلی صدای ترانه های «سپاوش شمس» از نو خوانندگان لس آنجلسی را تداعی می کند

تولید اینگونه آثار بود و حتی خوانندگانی چون «خشایار اعتمادی» نیز با او همفکر و درصدد خواندن ترانه های پاپ بودند. اگر هدف این جوانان ایجاد تحولی مثبت و ارائه آثاری نو و متفاوت با حمایت و برای مردم بود، اکنون موقع پاسخگویی و سنجش عملکرد آنهاست، چون ابزار و شرایط مطلوب به سرعت فراهم شده است.

«شادمهر عقیلی» از آهنگسازی و نواختن در اتاقش به جایی رسید که حالا فقط اسم او را می خرنند (نه آهنگش را) تا تضمینی برای فروش کاست خواننده ای دیگر باشد و بسیاری از خوانندگان جوان و تازه کار با پرداخت مبلغی اجازه ذکر اسم او را بر روی کاست خود کسب می کنند. این تازه کاران، حتی نام شادمهر عقیلی را به عنوان آهنگساز بر روی جلد کاست یا CD و با حرفی بسیار درشت تر از نام خود چاپ می کنند.

همانگونه که ذکر شد، بسیاری از آثار پاپ ایرانی، تقلیدی است از آهنگها و ترانه های معروف آمریکایی و ترکی و حتی لس آنجلسی که فقط اشعار تعویض، ترجمه یا دچار تغییرات اندک شده است. آثار شاد و شش و هشت ساخت ایران در کشورهای خارجی نیز طرفداران بسیاری یافته و حتی قبل از کنسرت برخی خوانندگان لس آنجلسی

INTERNATIONAL COURIER SERVICE
شرکت حمل و نقل بین المللی آرامکس



با پانزده سال سابقه درخشان
حمل و نقل بین المللی هوایی در جهان

آرامکس
ARAMEX

آدرس: خیابان فلسطین، پایین تر از میدان فلسطین، شماره ۱۵۱

تلفن: ۱۴ - ۶۴۹۳۹۱۳ - ۶۴۰۳۹۴۰ فاکس: ۶۴۰۴۳۹۶ صندوق پستی: ۱۱۹۱ - ۱۴۱۵۵ تهران - ایران

151, Felestin Ave, P.O Box: 14155 TEHRAN-IRAN Tel: 6493913 - 14, 6403940 Fax: 6404396 E.MAIL: ARAMEX@WWW.DCI.CI.IR